

# راهی که «بهلولی» نشان داد!

مجید علیپور

عضو شورای سازمان معلمان گیلان

درگذشت نابهنگام «مهدی بهلولی» از ناگوارترین خبرهای امسال و بدون اغراق، از بزرگترین خسارت‌ها به نظام تعلیم و تربیت کشور بود. «بهلولی» معلم نویسنده‌ای که در سال‌های اخیر به همراهی دوست دیرینش «محمدرضا نیک نژاد» در پی به راه انداختن نهضتی از حضور معلمان صاحب قلم و توانا بودند بلکه بتوانند با حضور موثر در رسانه‌های گروهی، «آموزش و پرورش» را به یکی از اولویت‌ها و مطالبات عمومی جامعه تبدیل کنند.

هرچند برخوردهای سخت با فعالان صنفی و امنیتی کردن تجمعات اعتراضی، در تصمیم پاره‌ای از فرهنگیان برای در پیش گرفتن این رویه بی‌تاثیر نبود؛ اما تردید نمی‌توان کرد که روایت معلمان از درون مدرسه با توجه به تجربه زیسته آنها و رابطه نسبتاً برابر و بلاواسطه‌ای که با دانش‌آموزان، همکاران و اولیا دارند؛ تفاوتی ماهوی با گزارش‌های اداری دارد که متاثر از فیلترها و قوانین نانوشته و با محاسبه هزینه و فایده مسئولان هر بخش به دست مقامات ارشد می‌رسد.

ناگفته نماند که سال‌هاست انحراف «پژوهش» از مسایل محوری جامعه، به نوعی تبدیل به بخشی از مناسک دانشگاهی ما شده است. پژوهش‌هایی که بیش از آنکه دغدغه مسایل مبتلابه جامعه را داشته باشند، صرفاً به یک وظیفه شغلی و اداری برای دانشجو / پژوهشگر تبدیل شده‌اند که وی را موظف می‌کند مسالماً ادعایی را در یک فرمت / اسلوب / چارچوب قرار داده و یافته‌های ادعایی را برای کسب نمره در آن جای دهد. ادعا بر این نیست که چارچوب مند کردن پژوهش آن روش نادرستی است و یا برای گریز از آسیب ذکر شده لازم است استانداردهای شناخته شده برای اندازه‌گیری و سنجش پذیر کردن پژوهش‌های کیفی را ترک کنیم؛ بلکه صرفاً اشاره‌ای است به معضل «اداری شدن پژوهش» که بیش از آنکه دغدغه کشف و نشان دادن مسایل مبتلابه جامعه را داشته باشد، در بند رعایت آداب و مناسکی است که داوران (صاحب کار) را قانع کند، دانشجو موفق به انجام «پژوهش» شده است.

«اداری شدن پژوهش» بلایی است که در نهادهای دولتی و عمومی هم به

شدت رواج دارد. کارمندانی که «کار» را می‌قاپند و با توجه به مهارتی که در به انجام رساندن چنین به اصطلاح پژوهش‌هایی دارند، در کمترین زمان ممکن، کار را تحویل کارفرما می‌دهند. بیراه نیست اگر چنین پژوهش‌هایی را به هنر گوبلن دوزی و سری دوزی در خیاطی تشبیه کنیم. طرح و اسلوب از قبل آماده است؛ کافی است عدد و رقم را (واقعی یا فرضی) به دست آوریم و در کمتر از چند ساعت خروجی را تحویل صاحب کار دهیم! بدیهی است که حاصل چنین به ظاهر پژوهش‌هایی هم همانند محتوایشان، صرفاً مشتی عدد و رقم و تعدادی جدول و گراف است که روسای سازمان در جلسات دورهمی، به مدیرانی از جنس خود، نشان دهند و همزمان با تماشای چند صفحه پاورپوینت، چای و میوه‌شان را صرف کنند.

طرح‌های پژوهشی که در آموزش و پرورش اجرا می‌شود فرق چندانی با روالی که گفته شد ندارد. سالهاست که پژوهشکده‌های تعلیم و تربیت همچون طرح‌های «معلم پژوهنده» بی‌خاصیت شده‌اند و دلمشغولی اصلی آنها انجام به ظاهر پژوهش‌هایی است که عملاً چیزی جز ردیف کردن مشتی عدد و رقم و تکرار تعدادی جملات کلیشه‌ای نیست. هدف مصرف یا به عبارت بهتر تقسیم کردن بودجه‌ای است که هرساله تخصیص داده می‌شود تا به زعم خود چراغ پژوهش را در سازمان روشن نگهدارند!

کافیست نگاهی به فهرست «پژوهش»‌های صورت گرفته در پژوهشکده‌های تعلیم و تربیت در طی چندسال بیان‌دازیم و نام‌های مشترک و محتواهای مشترک و ... را استخراج کنیم تا دریابیم چگونه عده‌ای که مهارتی تام و تمام در قبول کنتراتی\* پروژه‌ها یافته‌اند، سالهاست میهمان این بخش از سفره اعتبارات اندک آموزش و پرورش هستند و در کار تولید انبوه «پژوهش»‌هایی که مصداق دقیقی است بر مثل «آفتابه لگن هفت دست؛ شام و ناهار هیچی»!

اما راهی که بهلولی در آن قدم گذاشت، به کلی متفاوت از این بازی‌های بی‌مایه تحت لوای «پژوهش» در مدارس و ادارات است. نوشتن پیرامون مسایل مبتلابه نظام آموزش و پرورش با تمرکز بر مسایل معلمان و دانش‌آموزان، به دور از چشم داشت به اعتبارات تخصیص یافته و یا تقدیرنامه‌هایی که صرفاً امتیازی برای ارزشیابی‌های اداری و شغلی محسوب می‌شوند.

چندی پیش «محمد داوری» سخنگوی سازمان معلمان ایران و از دیگر معلمان صاحب قلم و فعالان رسانه‌ای جامعه معلمان، در سخنانی بر مزار زنده یاد «مهدی بهلولی»؛ ضمن درخواست نامگذاری یکی از مدارس

و خیابان های زادگاه این معلم شریف به نام او، پیشنهاد برگزاری مراسم سالانه تقدیر از معلمان اهل قلم و خبرنگارانی را داد که ( فارغ از هر گرایش فکری و سیاسی) هدف اصلیشان از نوشتن، برانگیختن افکار عمومی نسبت به مسایل آموزش و پرورش است و نه ناخنک زدن به اعتبارات مصوب یا انتظار برای دریافت تقدیرنامه از فلان مسئول اداره و وزارت. معلمان و خبرنگارانی که همچون مهدی بهلولی، دغدغه دانش آموز و معلم را دارند و خواست آنها توجه متولیان امور به آموزش و پرورش به عنوان یکی از میانی اصلی توسعه پایدار کشور است.

به نظر می رسد می بایست هیاتی برای عملیاتی کردن ایده مراسم سالانه معرفی و تقدیر از معلمان و خبرنگاران حوزه آموزش و پرورش تشکیل و برنامه ریزی لازم برای برپایی دبیرخانه، تعیین ملاک ها، جمع آوری کمک ها نقدی و غیرنقدی و ... آغاز گردد.

نگارنده ضمن طلب غفران و آرامش برای آن عزیز سفر کرده؛ برای همه ارجمندانی که به هر طریق، در پی حفظ یاد و نام و تداوم راه این معلم شریفند، آرزوی توفیق دارد.

\*:.....  
.....  
.....

#.....